قل يا عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم
لا تقنطوا من رحمة الله

عنوان رساله؛لا تقنطوا

موضوع: اسلامی دینی

گردآورنده:عبدالوحید شه بخش(الدرکانی)

لا تقنطوا

رساله ای کوچک در مود توبه و بازگشت بسوی الله و نا امید نشدن از رحمت های او برای هر کس که میخواهد توبه کند

مقدمه:

الحمدلله الذی کتب علی نفسه الرحمة و یجمعنا الی یوم البعث و النشور و صلاة و السلام علی خیر البریة محمد و علی آله و صحبه الی یوم الم عود

اما بعد:

قال تعالی:مخلصین له الدین حنفاء

و قال تعالي:لن ینال الله لحومها و لا دماؤها ولکن یناله التقوی منکم

قال ابن عباس:ای اخلاص

وقال النبی صل الله و علیه وسلم:ان الاعمال بالنیات

الله را برای تمامی توفیقات و انعاماتش شکر میگویم صاحب نعمت الله تعالی است و اوست که این توفیق را به من عنایت نمود تا رساله ای هر چند کوچک و ناقص در باب نا امید نشدن از رحمت ها ایزد منان به نشر برسانن.گر چه رحمت های او وسیع تر از قلم و کاغذ من است.

از آن ذات بی مثال اخلاص کارم را میخواهم و اینکه این رساله را صدقه ای جاریه و جزء باقیات الصالحات این طلبه بی مقدار قرار دهد.

عبدالوحید شه بخش(الدرکاوی)

اتوبه یعنی: بازگشت از معصیت خدا به طاعت او.

- خداوند توبه را دوست دارد: « إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (222) البقره » «خداوند توبه کننده گان را دوست دارد و آنان را که خود را پاکیزه می دارند دوست می دارد.»

- هر مؤمنی باید توبه کند: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا (8) تحریم » «ای مؤمنان به سوی خدا باز گردید و واقعاً توبه نمایید.»

- توبه از اسباب رستگاری است: « وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (31) نور. » «و همه به سوی خدا باز گردید و توبه کنید تا رستگار شوید و رستگاری یعنی: این که انسان به هدفش برسد و از آنچه بیم دارد از آن نجات یابد.»

- اگر کسی واقعاً توبه نماید خداوند همه ی گناهانش را هر چند بزرگ و زیاد باشند می آمرزد: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (53) الزمر»

[بگو ای بندگانم که بر خود زیاده روی کرده اند از رحمت خدا نا امید نشوید بیگمان خداوند همه گناهان را می آمرزد، به راستی که او آمرزند ه ی مهربان است]

ای برادری که گناه کرده ای از رحمت پروردگارت ناامید مباش، زیرا در توبه تا وقتی که خورشید از مغرب طلوع کند باز است.

پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید:[إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْسُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ، وَيَبْسُطُ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ اللَّيْلِ، حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا] مسلم 2759

(خداوند عزوجل دستش را در شب می گستراند تا کسی که در روز گناه کرده توبه نماید، و دستش را در روز می گستراند تا کسی که در شب گناه کرده توبه نماید، تا آنکه خورشید از مغرب طلوع کند)

چه بسیار توبه کنندگانی بوده اند که از گناهان زیاد و بزرگی توبه نموده اند و خداوند توبه آن ها را پذیرفته است،

خداوند متعال می فرماید: « وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (68) يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا (69) إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (70) » [فرقان]

[و(بندگان خوب خدای رحمان) کسانی هستند که همراه خدا معبود دیگری را به فریاد نمی خوانند، و نفسی را که خداوند کشتن آن را حرام کرده مگر به حق، نمی کشند، و زنا نمی کنند، و هر کس چنین کند به عذاب مبتلا می شود. و روز قیامت عذاب او چند برابر می شود و در دوزخ با خواری می ماند. مگر کسانی که توبه کنند و کار شایسته انجام دهند، خداوند بدیهای ایشان را به نیکی تبدیل می کند، و خداوند آمرزنده ی مهربان است.]

توبه ی نصوح، توبه ای است که این پنج شرط در آن فراهم باشد:

اول: اخلاص برای خداوند، به این صورت که منظورش از توبه، رضامندی خدا و دست یازیدن به پاداش پروردگار و نجات یافتن از عذاب او باشد.

دوم: پشیمانی از انجام گناه، به گونه ای که از انجام آن ناراحت شود و آرزو کند که ای کاش مرتکب آن نشده بودم.

سوم: دست کشیدن فوری از گناه، پس اگر گناه در حق خداوند باشد، اگر کار حرامی باشد آن را ترک کند و اگر واجبی را ترک کرده بلافاصله انجام دهد. اگر در حق مخلوقی مرتکب گناه شده بلافاصله خود را از آن آزاد کند یا حقش را به او برگرداند و یا از او بخواهد که وی را ببخشد و حلال کند.

چهارم: تصمیم قطعی بگیرد که در آینده به این گناه باز نگردد و آن را تکرار نکند.

پنجم: با فرا رسیدن مرگ و یا با طلوع خورشید از مغرب وقت توبه به پایان می رسد، بنابراین باید قبل از فرا رسیدن مرگ، و پیش از طلوع خورشید از مغرب، توبه نمود.

خداوند متعال می فرماید: « وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ [نساء: 18] »

[و توبه ی کسانی پذیرفته نیست که کارهای بد انجام می دهند تا این که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید اکنون توبه کرده ام.]

پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید:[مَنْ تَابَ قَبْلَ أنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِها؛ تَابَ اللهُ عَلَيهِ] (هر کس قبل از آنکه خورشید از مغرب طلوع کند توبه نماید خداوند توبه اش را می پذیرد). مسلم 2703

خدایا به ما توفیق توبه ی نصوح عطا بفرما، و توبه ی ما را بپذیر. بار الها! تو شنوا و دانا هستی.

توبه از گناه از هر گناهی چه صغیره باشد یا کبیره لازم و ضروری است اگر چه خداوند در قرآن فرموده است:

إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُم مُّدْخَلًا كَرِيمًا (نساء ٣٥)

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می‌شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم؛ و شما را در جایگاه خوبی وارد می‌سازیم.

ولی پرهیز از گناهان صغیره نیز لازم است و توبه از آنان نیز همین حکم را دارد زیرا رسول اکرم صل الله عیه وسلم ارشاد میفرمایند:

إيَّاكُم ومُحقَّراتِ الذُّنوبِ فإنَّهنَّ يجتَمعنَ على الرَّجلِ حتَّى يُهْلِكْنَهُ (صيحى البخارى' صحيح الترغيب ـــحكم صحيح)

آنحضرت میفرمایند:برحذر باشید از گناهان صغیره زیرا گناهان صغیره جمع میشوند تا اینکه فرد راهلاک میکنند.

.....

آری چه بسا انسان‌گناهی را کوچک شمارد ولی نزد پروردگار گناهی بس عظیم و مهلک باشد.

پس توبه و هم از گناهان صغیره و هم از گناهان کبیره امری لازم و ضروری است.گناهان صغیره با ابتلای فرد به مصائب و مشکلات یا با بیماری یا با وضوء و نماز از بین میروند در حدیث آمده است:

مُسْلِمٍ تَحْضُرُهُ صَلاَةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا إِلاَّ كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيرَةً وَذَلِكَ الدَّهْرَ كُلَّهُ». (هر کسی که با فرارسیدن نماز فرض، وضو، خشوع و رکوعش را خوب انجام دهد، نمازش باعث کفاره گناهان گذشته‌اش خواهد شد، مگر اینکه گناه کبیره‌ای مرتکب شده باشد. و این حکم، برای همیشه جاری است). مسلم

و منظور این نیست که هرکس گناه کبیره داشته باشد نماز کفاره ی گناهانش نمی شود، و این حدیث بیانگر این مسئله است که وضو گرفتن و رفتن به سوی مسجد و خواندن نماز فرض موجب کفاره و محو شدن گناهان صغیره هستند، حتی اگر شخص گناه کبیره هم داشته باشد. ولی این مطلب را نیز می رساند که گناهان کبیره اش با آن وضو و نماز پاک نمی شود، چرا که گناه کبیره با توبه و جبران گذشته پاک می شوند.

چنانکه در حدیث دیگری می فرماید: «خَمْسُ صَلَوَاتٍ افْتَرَضَهُنَّ اللَّهُ تَعَالَى مَنْ أَحْسَنَ وُضُوءَهُنَّ وَصَلاَّهُنَّ لِوَقْتِهِنَّ وَأَتَمَّ رُكُوعَهُنَّ وَخُشُوعَهُنَّ كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَهْدٌ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَهْدٌ إِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ وَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ». «خداوند پنج وعده نماز را واجب کرده، هر کس وضوی آنها را به خوبی بگیرد و نمازها را به وقت و به هنگام بگزارد و رکوع و سجود و خشوع آنها را کامل کند، خداوند عهد کرده که وی را بیامرزد و هر کس که چنین نکند خدا او را بر عهدی نیست؛ اگر خواست می‌بخشایدش و اگر نه، عذابش دهد».«صحیح ابوداود» (451 و 1276).

و از ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : (صلاة الرجل فی الجماعة تضعف علی صلاته فی بیته و فی سوقه خمسا و عشرین ضعفا، و ذلک أنه إذا توضأ فأحسن الوضوء، ثم خرج إلی المسجد لایخرجه إلا الصلاة، لم یخط خطوة إلا رفعت له بها درجة، وحط عنه بها خطیئة، فإذا صلی لم تزل الملائکة تصلی علیه مادام فی مصلاه، اللهم صل علیه، اللهم ارحمه، و لایزال أحدکم فی صلاة ما انتظر الصلاة) «نماز جماعت بیست و پنج برابر نمازی که در خانه و بازار خوانده می‌شود، ثواب دارد؛ بدان جهت که وقتی شخص به خوبی وضو می‌گیرد و تنها برای خواندن نماز به مسجد رود، با هر قدمی که برمی‌دارد، درجه‌ای بالا می‌برود و گناهی از او بخشوده می‌شود، پس هنگامی که نماز خواند تا زمانی که در محل نمازش است، ملائکه بر او درود می‌فرستند (و می‌گویند) خداوندا! بر او صلوات بفرست، خداوندا! به او رحم کن، و تا زمانی که هر کدام از شما در انتظار نماز باشد گویا در نماز است».متفق علیه

و از حمران مولای عثمان روایت است که عثمان بن عفان برای وضو گرفتن، آب درخواست کرد و وضو گرفت.ابتدا دستهایش را سه بار شست، سپس مضمضه کرد بعد از آن آب را در بینی‌اش کرد، آنگاه صورتش را سه بار شست بعد از آن دست راست را با آرنجش سه بار شست، سپس دست چپ را، مانند دست راستش شست، به دنبال ان سرش را مسح کرد و عداً پای راستش را با قوزکش سه بار شست و پای چپش را هم مانند پای راستش شست. سپس گفت پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم را دیدم که به این

روش وضو گرفت و فرمود : (من توضأ نحو وضوئی هذا ثم قام فرکع رکعتین لایحدث فیهما نفسه غفرله ما تقدم من ذنبه) «هرکس این چنین وضو بگیرد و با حضور قلب دو رکعت نماز بخواند گناهان (صغیره) گذشته او بخشیده می‌شود».متفق علیه

بنابراین وضو گرفتن و گام برداشتن به سوی مسجد و نماز خواندن، کفاره ی گناهان صغیره است نه کبیره و گناهان کبیره با توبه واقعی و عدم بازگشت به گناه ازربین میروند.

همچنین روزه ی رمضان و سنت و حج نیز موجب کفاره ی گناهان صغیره هستند.

داستان توبه:

ابی هاشم صوفی رحمة الله علیه نقل میکند روزی قصد سفر به بصره را کردم و برای سفرم به بصره سوار کشتی ای شدم

در این کشتی یک مرد با کنیزش نیز همراه من بود.مرد وقتی که من را دید به کنیزاش گفت :این از این جا ببر کنیز من را به گوشه ای برد و خودش رفت و غذای مولایش را آماده کرد.

زمانی که سفره را پهن کرد مرد به کنیزش گفت ؛ آن مسکین را صدا بزن تا بیاید و غذا بخورد.

مرد فکر کرد که من مسکین هستم پس بر سفره اش نشستم. مرد به کنیزک گفت شراب را بیاور و عود را بنواز

کنیزک آنچه را اربابش گفته بود انجام داد.صدای عود و آواز کنیزک بلند شد مرد روبه من کرد و گفت:آیا تاکنرن صدایی به این زیبایی شنیده ای؟

گفتم چیزی را میدانم که از این نیز زیباتر است.مرد د گفت: آنچه را که داری روکن.

ابی هاشم صوفی میگوید: پس شروع به خواندن کردم.

اعوذ بالله من الشیطان الرحیم

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ

هنگامي كه خورشيد درهم پيچيده مي‌شود (و نظام جهان درهم مي‌ريزد) .

وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ

و هنگامي كه ستارگان تيره و تار مي‌گردند و فرو مي‌افتند .

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ

و هنگامي كه كوهها (از جاي خود بركنده مي‌شوند و به اين سو و آن سو) رانده مي‌شوند .

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ

و در آن هنگام كه باارزش‌ترين اموال به دست فراموشي سپرده شود،

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ

و در آن هنگام كه درياها برافروخته شوند،

ابی هاشم میگوید:بر مرد این آیات را میخواندم تا اینکه به این آیه رسیدم؛

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ

و در آن هنگام كه نامه‌هاى اعمال گشوده شود،

پس مرد شروع به گریه کردن کرد و نوشیدنی ها را ریخت و عود را شکست و به کنیزک گفت که تو از امروز برای رضای الله آزادی....و گریه میکرد سپس اورا در آغوش گرفتم مرد گفت؛برادر آیا گمان میکنی که خداوند توبه من را می پذیرد؟

ابی هاشم میگوید:گفتم که خداوند توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد

بعد از ماجرا به مدت چهل سال ابی هاشم و آن مرد با هم رفاقت کردند تا اینکه مرد از دنیا رفت همانطور که هر زنده ای روزی از دنیا خواهد رفت.

شبی ابی هاشم او را بخواب دید و گفت:به کجا رسیدی؟ نرد گفت به بهشت رسیدم!!!

آری به بهشت رسید زیرا که در توبه و بازگشتش به سوی الله ثابت بود.....

یکی از عوامل هلاکت اصرار بر گناه است:

اصرار بر گناه باعث سخت شدن دل و جرأت پیدا کردن برای گناهان دیگر میشود.

شیخ عبدالعزیز طریفی:

توبهٔ انسان از گناهی که بر انجام آن اصرار دارد [و قصد ندارد دست از آن بکشد] پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا بزرگترین شرط پذیرش توبه، عزم بر ترکِ آن گناه است:

﴿...وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ اللّهُ وَلَمْ يُصِرُّواْ عَلَى مَا فَعَلُواْ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۳۵]

«...و چه کسی جز الله گناهان را می‌آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده‌اند با آنکه می‌دانند [گناه است] پافشاری نمی‌کنند

از صفات تائبان واقعی اصرار نورزیدن بر گناه است همانطور که خداوند متعال میفرمایند:

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ١٣٥﴾

و کسانی که چون دچار گناه (کبیره‌ای) شدند، یا (با انجام گناه صغیره‌ای) بر خویشتن ستم کردند، به یاد خدا می‌افتند (و وعده و وعید و عقاب و ثواب و جلالت و عظمت او را پیش چشم می‌دارند و پشیمان می‌گردند) و آمرزش گناهانشان را خواستار می‌شوند – و بجز خدا کیست که گناهان را بیامرزد؟ - و با علم و آگاهی بر (زشتی کار و نهی و وعید خدا از آن) چیزی که انجام داده‌اند پافشاری نمی‌کنند (و به تکرار گناه دست نمی‌یازند).

صاحب تفسیرانوارالقرآن درذیل تفسیر این آیه میگوید:آری! در آن‌هنگام: «یاد کنند الله را» با زبانها و دل‌های خویش «پس آمرزش خواهند برای گناهان خویش» از بارگاه خدای آمرزگار. انس رض می‌گوید: به من رسیده است که‌چون این آیه کریمه نازل شد، ابلیس گریست (که بیچاره شدم). «و چه‌کسی جز خدا، گناهان را می‌آمرزد» با آمرزش کاملی که به‌دنبال خود سرزنش و عقوبتی نداشته‌باشد؟ لذا هیچ گناهی ـ هرچند هم که بزرگ باشد ـ در برابر مغفرت الهی چنان بزرگ نیست که سبب عدم آمرزش وی شود. در حدیث شریف آمده است: «ابلیس گفت: پروردگارا! سوگند به عزتت که پیوسته فرزندان آدم را گمراه می‌کنم تا آن‌گاه که ارواحشان در اجسادشان باشد. حق تعالی فرمود: سوگند به‌عزت و جلالم که پیوسته بر آنان می‌آمرزم تا آن‌گاه که از من آمرزش بخواهند». «و» پرهیزگاران «بر آنچه مرتکب شده‌اند» از گناهان «با آن که می‌دانند» و آگاهند که آن کار گناه است «اصرار نمی‌کنند» مراد از اصرار: عزم بر بازگشت به گناه و عدم دست کشیدن نهایی از آن با توبه است.

عطاء در بیان سبب نزول از ابن‌عباس ب روایت کرده است: آیه کریمه درباره خرما فروشی به‌نام «بنهان التمار» نازل شد که کنیتش «ابومقبل» بود، روزی زنی خوبرو از او خرما خرید، پس او آن زن را به‌سوی خود کشید و او را بوسید، اما بعدا از این عمل خویش پشیمان گشته به خدمت رسول خدا ص آمد و داستان خویش را به ایشان باز گفت. آن‌گاه این آیه کریمه نازل گردید.

فرار کن:

آری فرار کن.... از گناه فرار کن هیچگاه در مقابل گناه از خودت مطمئن نباش زیرا که نفس نمیتوان اطمینان کرد و اگر میپرسی چرا فرار کنم؟ برایت از پیامبر الله یوسف علیه السلام میگویم...

حضرت یوسف علیه السلام هنگامی که به گناه دعوت شد فرار کرد با اینکه میدانست هفت در پشت سر او قفل شده اند وای با این وجود به الله پناه برد و از پرتگاه گناه فرار کرد.خداوند چه زیبا این داستان را به ما یادآوری میکند و میفرماید:

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَن رَّأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ

آن زن قصد او کرد؛ و او نیز -اگر برهان پروردگار را نمی‌دید- قصد وی می‌نمود! اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود!

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِن دُبُرٍ.....

و هر دو به سوی در، دویدند (در حالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می‌کرد).....

پناه بر خدا:

این داستان را قبلا شنیده بودم و در کتاب فی بطن الحوت اثر دکتر محمدالعریفی نیز آنرا خواندام را برایتان بازگو میکنم:

او جوانی فقیر بود که به عنوان فروشنده‌ای دوره گرد در کوچه‌ها می‌گشت و کالاهایش را می‌فروخت... اما طرف دیگر داستان زنی بود بدکار که از انجام حرام هیچ ابایی نداشت و گویا تله‌ی شیطان بود برای شکار مردان... روزی جوان فقیر ما از کنار خانه‌ی آن زن می‌گذشت... زن در را نیمه باز کرد و او را صدا زد و درباره‌ی قیمت جنسی از او پرسید و از وی خواست داخل خانه بیاید تا کالاهای او را ببیند... اما همین که جوان وارد خانه‌ی او شد در را بست و او را به انجام کار حرام فرا خواند... اما جوان گفت: پناه بر خدا!

جوان مؤمن دنبال راه چاره میگشت درحالی که نفس اش به او میگفت:زنا کن و بعد توبه کن!!اما چگونه ستر خداوند را پاره کنم؟چگونه به زنی که برایم حلال نیست نگاه کنم؟

در همین اثناء زن گفت:یا کاری را که میگویم انجام میدهی یا فریاد میزنم که این جوان به خانه ام حمله کرده و قصد من را داشته آنوقت سزایت جز زندان یا اعدام نیست....

جوان او از الله میترسید و درحال لرزیدن بود و زن را نیز از الله ترساند ولی زن هیچ اعتنایی نکرد

در اینجا بود که خداوند فکری را در ذهن این جوان انداخت.جوان گفت باشد کاری را که میخواهی انجام میدهم ولی قبل از آن دستشویی را به من نشان بده پس بدستشویی رفت و به دریچه آن نگاه کرد ولی نمیتوانست از آن رد شود برای همین فکری دیگر کرد بسوی صندوقی که در آن نجاسات بود رفت و از نجاسات آن بر لباس دستان و بدن خود مالید و بیرون رفت

زن تا او را دید فریادی زد و کالایش را پرت کرد و او را از خانه بیرون انداخت جوان از گناه نجات پیدا کرد

در راه کودکان او را با نجاسات میدند و میگفتند:دیوانه!دیوانه!

جوان به خانه رفت و نجاست را از خود دور کرد بعد از این ماجرا همیشه از وی بوی عطر می آمد..این داستان را علامه این قیم جوزی رحمه در کتاب المواعظ ذکر کرده است.

با صالحان باش:

دوستان فرد نقش زیادی در شخصیت وی دارند پس هراگر دوستان وی صالح باشند تأثیر نیکی برجای میگذارند.

دوست صالح انسان را به یاد آخرت می اندازد دوستی که انسان را به الله نزدیک کند و دوستان صالح در قیامت برای دیگر دوستان شان که به سبب اعمالشان در دوزخ گرفتارند شفاعت میکنند و به سبب شفاعت آنان خداوند آنان را از دوزخ به رحمت خویش بیرون می آورد و دیگر دوزخیان میگویند آیا کسی نیست که برای ما شفاعت کند؟

الله تعالی میفرمایند:

فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ

(افسوس که امروز) شفاعتکنندگانی برای ما وجود ندارد،

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ

و نه دوست گرم و پرمحبّتی!(شعراء ۱۰۰-۱۰۱)

دیگر دوزخیان میگویند این افراد به چه سببی از نجات پیدا کرداند؟ وقتی میفهمند که دوست بهشتی آنان برایشان شفاعت کرده است میگویند کسی نیست که برای ما شفاعت کند؟

پس با صالحان باش اگر چه برای مدت کمی نیز شده با صالحان باش و با آنان محبت کن زیرا با هر کس که محبت داشته باشی با همان افراد حشر خواهی شد.

در صحیح بخاری آمده است:

عَنْ أَنَسٍ: أَنَّ رَجُلاً مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ أَتَى النَّبِيَّ (ص) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَتَى السَّاعَةُ قَائِمَةٌ؟ قَالَ: «وَيْلَكَ وَمَا أَعْدَدْتَ لَهَا»؟ قَالَ: مَا أَعْدَدْتُ لَهَا إلا أَنِّي أُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ. قَالَ: «إِنَّكَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ». فَقُلْنَا؟ وَنَحْنُ كَذَلِكَ؟ قَالَ: «نَعَمْ». (بخاری:6167)

ترجمه: انس (رض) مي گويد: مردي باديه نشين نزد نبي اكرم (ص) آمد و گفت: اي رسول خدا! قيامت كَي بر پا خوا هد شد؟ رسول خدا (ص) فرمود: «واي بر تو, چه چيز براي آن آماده كرده اي»؟ گفت: هيچگونه امادگي اي ندارم. فقط خدا و رسولش را دو ست دارم. فرمود: «تو با كساني خوا هي بود كه آنها را دو ست داري». ما (صحابه) گفتيم: ما هم اينگونه خواهيم بود؟ فرمود: «بلي».

پس باصالحان باش و با آنان محبت کن و اگر توانایی این را نداری که خودت صالح باشی و عمل صالحی انجام دهی پس بندگان نیک الله را اذیت نکن.

بسیاری از مردم وقتی فردی را می بینند که مبلغ است یا طالب العلم است او را به استهزاء میگیرند و اورا مسخره میکنند و چه بسا خود را هلاک میکنند زیرا رسول الله (ص) میفرمایند که الله تعالی ارشاد میکند:

مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ،

د در حدیث قدسی میفرماید: کسیکه با دوست من دشمنی کند، با او اعلام جنگ میکنم،

و دوستان الله تعالی را فقط میداند،گاهی اغرادی در نزد مان حقیر هستند ولی در نزد الله تعالی از منزلت والایی برخوردارند.

گناهت را آشکار نساز:

پيامبر صلي الله عليه وسلم فرمودند: «كل أمتي معافي إلا المجاهرين، وإن من المجاهرة أن يعمل الرجل بالليل عملا، ثم يصبح و قد ستره الله عليه، فيقول : يا فلان عملت البارحة كذا و كذا و قد بات يستره ربه و يصبح يكشف ستراللهعليه». متفق عليه

يعني: «تمام امتم موردعفو قرار مي‌گيرند مگر كساني كه (گناهي انجام مي‌دهند و آنرا) آشكار مي‌كنند، و از جمله آشكار كردن گناه اين است كه كسي، شب گناهي را انجام دهد و تا صبح خدا گناهش را پوشيده دارد اما او در روز بگويد : فلاني : ديشب فلان گناه و فلان گناه را انجام داده‌ام، در حالي كه پروردگارش آن را پوشانه، ولي او پوششي را كه خدا بر عيب او قرار داده بر مي‌دارد (گناهش را آشكار مي‌كند)».

آشکار کردن گناه و پاره کردن ستر خداوند نشانه ی نزدیک شدن به هلاکت است گناه را از همه مخفی کن فکر نکن که این پدر و مادرت یا استادت است چه بسا تو از آن گناه توبه کنی ولی او تو را به سبب گناهت حقیر بشمارد حتی اگر روزی امام حرم شوی...

صحابی جلیل القدر حضرت عبدالله ابن عباس میفرماید:اگر روز قیامت به من گفته شود که الله قضاوت اعمالت را به والدینت واگذار می کنیم نمی پذیرم زیرا که الله رحمتش ببشتر از پدر و مادر است...

و تا میتوانی خودت را به الله تعالی نزدیک کن و استغفار را لازم بگیر زیرا نزدیک‌ترین مردم به محبت خداوند، کسی است که بیشتر توبه و استغفار می‌کند؛ چون تنها کسی بسیار از الله آمرزش می‌خواهد که او را بزرگ می‌دارد و مطمئن است روزی در برابرش خواهد ایستاد:

﴿إِنَّ اللهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ﴾ [بقره: ۲۲۲]

«الله توبه‌کاران را دوست دارد»

هرگاه مرتکب گناه شدی و پس از آن متوجه به الله شدی هیچ کس را باخبر نکن خوب وضو بگیر و نماز بخوان و از الله تعالی طلب بخشش و استغفار کن و دوباره بر گناه بازنگرد...و از الله بخواه که تورا بر راه توبه ثابت قدم گرداند و از الله کمک بخواه هیچ کس از خودش توانایی دفع ضرر را از خودش ندارد مگر اینکه الله ضرر را از کسی دور کند پس از او بخواه تا آنچه که موجب نارضایتی اش است را از تو دور کند....

خودت را به الله نزدیک کن:

امام بخاری در صحیح خود در باب ادب مفرد نقل کرده است:

- مردی نزد حضرت عبدالله ابن عباس (رضی الله عنه) آمد وگفت؛ای پسر عموی رسول الله(ص) من از زنی درخواست ازدواج کردم ولی او راضی به ازدواج با من نشد سپس شخص دیگری از او خواستگاری کرد پس آن زن
- پذیرفت و با او ازدواج کرد، من غیرت نسبت به زن داشتم(یعنی اینکه مرد نمیخواست که آن زن در نکاح کسی دیگرباشد) برای همین او را کشتم.آیا برای من توبه ای وجود دارد؟
- حضرت ابن عباس(رض) فرمود؛آیا مادرت زنده است؟ مرد گفت نه.پس این عباس فرمود:به سوی الله توبه کن و بوسیله هر عمل صالحی که توانستی انجام دهی خودت را به الله نزدیک کن. و مرد رفت.
- پس از این ماجرا یحیی بن معاذ یکی از شاگردان حضرت ابن عباس به او گفت؛ای پسر عموی رسول الله(ص): چرا در مورد زنده بودن مادرش پرسیدی؟ حضرت ابن عباس گفت:والله عمل صالحی نزدیک تر به الله جز نیکی به مادر نمیدانم.

پس هرگاه مستعد توبه شدی و توبه کردی و در راه استقامت قرار گرفتی تا میتوانی خودت را به الله نزدیک کن

شهوت:

به اجتماع اهل علم قضیه شهوت یکی از امراض مهلکی است که بنی آدم گرفتار به آن گرفتار هستند.

پس اگر در خلوتت به شهوت مبتلا میشویی و دچار گناه می شوی پس سعی کن که کمتر در خلوت باشی و اگر شهوت در سفر به دنبالت می آید پس کمتر در سفر باش و با استعانت از الله از گناه دوری کن.

- این رساله کوچک را نوشتم تا قبل از این که کسی دیگر را نصیحت کنم خودم را نصیحت کرده باشم تا از گناه دوری کنم و با تمام گناهانی که دارم از رحمت الله تعالی ناامید نشوم. هر گاه که خودم سست شدم به این رساله کوچک مراجعه کردم تا قبل از هر چیز نصیحت و تذکره ای برای خودم باشم.
- از الله تعالی بار دیگر اخلاص و عمل را درخواست میکنم و از الله تعالی میخواهم تا در اعمالم ریاء و تظاهر قرار ندهد و اعمالم را خالص برای وجه کریم اش گرداند.
- احقرالناس:عبدالوحیدالدرکانی